

## اعضای بدن جوان ۲۴ ساله بویراحمدی به بیماران نیازمند اهدا شد / می‌خواستیم دیگران را نجات بدهیم

دهمین مورد اهدای عضو استان کهگیلویه و بویراحمد در سال جاری پسر ۲۴ ساله‌ای بود که بر اثر تصادف دچار مرگ مغزی شد و پس از رضایت خانواده‌اش دو کلیه، کبد، پانکراس و قرنیه‌های او برای پیوند به افراد نیازمند برداشته شد.

به گزارش ایسکانیوز و به نقل از روزنامه شرق ساسان عباسی، هماهنگ‌کننده پیوند اعضای دانشگاه علوم پزشکی استان کهگیلویه و بویراحمد، با اعلام این خبر گفت: مرحوم حمید کرمی از اهالی روستای دلی اولاد علی مؤمن شهرستان بویراحمد به دلیل تصادف دچار خون‌ریزی مغزی و در پی آن مرگ مغزی شد. این جوان مجرد در مراحل درمان در آی‌سی‌یو شماره یک بیمارستان شهید بهشتی بستری بود و در نهایت پس از تأیید مرگ مغزی، خانواده‌اش برای اهدای عضو رضایت دادند.

جراحی برداشت اعضای بدن این جوان در بیمارستان شهید بهشتی یاسوج انجام شد و پس از آن، اعضا برای پیوند به بیمارستان نمازی شیراز انتقال یافت. در ادامه گفت‌وگو با مظفر کرمی، پدر این جوان، را می‌خوانید:

حادثه چطور اتفاق افتاد؟

ما از عروسی به خانه برگشته بودیم اما بچه‌ها هنوز نیامده بودند. تقریباً ساعت دو شب بود که خبردار شدیم بچه‌ها تصادف کرده‌اند و آنها را به بیمارستان برده‌اند.

در کجا و چطور تصادف کرده بودند؟

در کمربندی یاسوج، قبل از پل؛ انگار داشتند می‌رفتند که یک موتور با چراغ خاموش در مسیر آنها آمده بود و برای اینکه به او نزنند، زده بودند به جدول.

چند نفر در ماشین بودند؟ سرعتشان زیاد بود که نتوانستند ماشین را کنترل کنند؟ خودروشان چه بود؟

ماشینشان پژو پرسیا بود. سه نفر سوار ماشین بودند؛ یکی پسر من و یکی هم پسردایی من و یکی دیگر از اقوام هم بود. آنها کمربند ایمنی نبسته بودند. پسر من راننده بود و ممکن است سرعتش زیاد بوده که نتوانسته ماشین را کنترل کند. از سمت راست به جدول زده بود و بعد پسر من از شیشه جلو به بیرون پرت شده و چند متر جلوتر به تیر چراغ برق خورده بود. بعد هم آنها را برده بودند به بیمارستان و پس از آن به ما زنگ زدند. دوونیم شب بود که به بیمارستان رفتیم و بعد از دو، سه روز دیدیم امیدی نیست و گفتیم حالا که این‌گونه است، لااقل جان چند نفر را نجات دهیم.

برای دو سرنشین دیگر ماشین چه اتفاقی افتاد؟

پسردایی خودم فوت شد. او تا بیمارستان زنده بود اما در بیمارستان تمام کرد و آن نفر دیگر زنده است؛ اما دست و پایش صدمه دیده است. چرا تصمیم به اهدای عضو گرفتید؟

طبق آیه قرآن و دین اسلام، گفتیم لااقل سه، چهار نفر را نجات دهیم. این کار کمک بزرگی است و خیلی ثواب دارد.

چطور فهمیدید که امکان اهدای عضو برای شما فراهم است؟

به‌هرصورت طبق دستورات دینی کمک‌کردن به هم‌نوع خوب است. پزشکان از ما خواستند و ما هم رضایت دادیم و اعضای بدن حمید را

اهدا کردیم. خدا را هم شکر می‌کنیم که ثواب کردیم.

چند سالتان است و چند فرزند دارید؟

من نزدیک به ۵۰ سال دارم و سه پسر و یک دختر دارم، حمید فرزند سومم بود.

حمید چند سال داشت، چقدر درس خوانده و شغلش چه بود؟

حمید ۲۴ سال داشت. فکر کنم تا کلاس سوم راهنمایی درس خوانده و تازه سربازی‌اش تمام شده بود و ماشین معامله می‌کرد. هنوز کارت

پایان خدمتش نیامده بود که این اتفاق برایش افتاد. می‌گفت می‌خواهد درسش را ادامه دهد، اما هنوز شروع نکرده بود.

پسر شما باید در ۱۸ سالگی به سربازی می‌رفت؛ در این مدت چه می‌کرد؟

در کشاورزی کمک‌دست من بود و کارگری می‌کرد.

آیا خودش درباره اهدای عضو چیزی به شما گفته بود یا فقط تصمیم خودتان بود؟

کسی از اعضای خانواده به خاطر ندارد که درباره اهدای عضو از او چیزی شنیده باشد. بعد از تصادف هم که چشمش را باز نکرد و ما از

تصمیم خودش خبر نداریم. خودمان این تصمیم را گرفتیم. چون امیدی به بهبود او نبود، برای رضای خدا این کار را کردیم.

خود شما از کجا با اهدای عضو آشنا بودید؟

می‌دانستیم. جاهای مختلف شهر و در طایفه‌های اطراف دیده بودیم که آنها هم این تصمیم را گرفته بودند و ما هم گفتیم هرچه خدا

بخواهد همان می‌شود و این کار را کردیم.

واکنش اعضای خانواده وقتی از تصمیم شما مطلع شدند، چه بود؟

همسر و دختر و پسرانم همه راضی بودند.

اطرافیان وقتی می‌شنیدند شما اعضای فرزندتان را اهدا کردید، چه واکنشی داشتند؟

همه خوشحال بودند و می‌گفتند کار درستی کردید و به ما امیدواری می‌دادند که ثواب کرده‌اید.

توصیه شما به افرادی که ممکن است در شرایط مشابه قرار بگیرند، چیست؟

هرکس خودش باید تصمیم بگیرد، اما می‌گویم اگر کسی را نجات دهید، ثواب کرده‌اید. هرکس رضایت بدهد کار بزرگی کرده است و با

این کار اول نام نیکی از آن مرحوم به جا می‌ماند و بعد هم از شما.